

# اصول، مفقود، ادعای موجود

## هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند یکسره بی اساس باشد ولی میتواند کاملاً غیراصولی باشد<

بخش هژدهم

## مرد ۲۰ میلیونی..

امیرفیض- حقوقدان

مقصود از مرد ۲۰ میلیونی آن نیست که صحبت از مردی باشد که ۲۰ میلیون ثروت دارد، خیر مقصود مردی است که آنچنان قدرت سیاسی و معنوی و اجتماعی دارد که میتواند ۲۰ میلیون ایرانی را در اروپا بمناسبت یک کار و هدف سیاسی گرد هم آورد. این شخصیت ناب که شاید در تاریخ بشریت بیسابقه باشد، شناخته نبود تا در برنامه رودست درکنار امید جانش حاضر شد و خود را همراه هنر و امکان خارق العاده اش در جمع آوری ۲۰ میلیون تن، آنهم ایرانی آنهم در اروپا معرفی کرد؛ این شخص شخیص که خدا سایه اش را از سران ۲۰ میلیون ایرانی مقیم اروپا کم نکند کسی به معرفی امید دانا غیر از آقای دکتر مهندس علی فرازنده نیست.

کس ندانستی که این گوهر کجاست آنکه او را یافت مزدش باخداست



این تحریر اختصاص به برنامه مزبور که عنوان مصاحبه به آن داده شده دارد.

### برداشت کلی

معمول این است که انسان وقتی کتابی را میخواند و یا فیلمی رامی بیند یک برداشت اجمالی و کلی از آن خواهد داشت که ممکن است درست باشد و یا نباشد.

بنده با دقت در مراتب اقدامات در متن و حاشیه نامه هشدار و ادامه آن با دقت در مصاحبه امید دانا با مرد ۲۰ میلیونی به برداشتی رسیده ام که فکر میکنم قبل از نقد مصاحبه مزبور آنرا مطرح سازم

معمولاً پس از صدور حکم محکومیت یک متهم، دیگر شکنجه و یا بی آبرو کردن و یا اقرار گرفتن و یا ترتیب مصاحبه، متوقف و متهم به جریان اجرای حکم سپرده میشود و اگر حکم متهم اعدام باشد که نه تنها دیگر

اسباب مزاحمت برای اعدامی فراهم نمیشود، بلکه بنابر عرف جاری کشیش، و یا ملای زندان برایش دعای آمرزش هم میخواند و غذای بهتر و فرصت وصیت را هم به او میدهند.

ولی این قاعده معمول، در محاکم صحرائی جاری نیست و به کرات دیده شده است (واقعه تجاوز به دختر افغانی و حکم محکمه صحرائی شرعی) که علیرغم حکم محکمه شرعی مثلاً به اجرای حد شلاق و یا اعدام، صلواتی ها و یا حتی برخی از دست اندرکاران محکمه، دست از سر متهم بیچاره برنمی‌دارند و او را خودسرانه و براه تعصب مثله میکنند.

### مثله چیست

مثله کردن یک مجازات قانونی و حتی شرعی نیست ولی مجازاتی است که در بین قبائل و جوامع اسلامی عقب افتاده رایج است و علت بروز آن خشم و دشمنی و کینه توزی شدید با متهم است که اعدام متهم را نه کافی میدانند و نه مناسب با ارتکاب جرم. لذا راه مثله کردن متهم، راه معمول و متداول آنهاست؛ مثله کردن اصولاً ناشی و از ریشه خشم و انتقام گیری است و آن زخم زدن فراوان به شخص است که تاحد قطعه، قطعه کردن هم پیش میرود.

مثله کردن افراد، در ایران در جریان شورش ۵۷ و حتی در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی غاصب، نسبت به مخالفان حکومت بطور آشکار، خود نما بوده است؛ کسانی مانند داریوش فروهر و همسرش و زهرا کاظمی و فریدون فرخزاد از طریق مثله از بین رفتند.

دکتر جمشید مظاهری در این باب گفته است:

«سادیسیم عبارت است از علاقه به آزار دیگران به صورت جسمی، روانی و جنسی طوری که این آزار رساندن موجب لذت و آرامش فرد آزار رسان شود این افراد از تحقیر و تمسخر و آزار روحی و یا جسمی و جنسی افراد به خصوص در حضور دیگران لذت زیاد میبرند و گاهی رفتارهای پر خاشگروانه از خود نشان میدهند».

(دکتر مظاهری بیماری سادیسم)

دکتر مظاهری از واژه دگرآزاری برای اشخاص بالا استفاده کرده است.

### مثله اعلیحضرت بعد از محکمه صحرائی

◀ روال بعد از حکم محکمه صحرائی دائر به محکومیت اعلیحضرت نشان از جریان مثله کردن محکوم را دارد منتها از آنجا که بعضی از دست اندرکاران که به حکم محکومیت اعلیحضرت قانع نیستند و یا مبتلای به سادیسم و دگرآزاری هستند با وجود حکم محکومیت اعلیحضرت معهذاً دست بردار نیستند و در راه آزار رساندن و شادی خودشان و تسکین غرور سرکششان بهر چیزی که ممکن است متوسل شده و میشوند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - این مورد در بسیاری از به اصطلاح تک تیراندازان اوپوزیسیون هم در باره دیگران که نسبت به آنان حسادت و کینه میورزند جاری و ساری است. ج-ک

◀ فراموش نکنید که تحمل مثله کردن جان بمراتب ازبی اعتبارکردن افراد با اعتبار آسان تراست <مرگ یکبار شیون یکبار> همین را میخواید گفته باشد که بی اعتبارکردن و خفت دادن مرگ یکبار نیست و هزاربار است.

◀ در جریان محکمه صحرائی، اعلیحضرت را به دشمنی با موجودیت ایران محکوم کرده اند - برانت هم از ایشان خواسته اند که ترتیب اثر داده نشد و نباید هم میشد، دشمنی با ناسیونالیستی ایران هم ضمیمه محکومیت به دشمنی با موجودیت ایران شد (مصاحبه با مرد ۲۰ میلیونی) اعلام هم شد که ایشان یعنی اعلیحضرت در مسیری که حاکمان محکمه صحرائی میانداشند نیستند - امید دانا هم صریحا اعلام کرد که نه تمایلی برای دیدن ایشان دارد و نه کاری با ایشان و امثالهم ولی با همه این احوال در راه تحقیر و آزار و اهانت به اعلیحضرت یک لحظه فروگذاری و یا احتیاط نمیکنند؛ چرا؟ زیرا در مسیر آزار و بیماری سادیسم قرار دارند.

سگ بر آن آدمی شرف دارد      که دل مردمی بیازارد

◀ بنده بادقت و در حد بضاعت خود تمام شرائط و ارکان سادیسم را در اظهارات و حرکات آقای امید دانا متاسفانه می بینم و دقیقا احساس میکنم که از آزار دیگران بصورت روانی لذت میبرد و خاصه از تحقیر و تمسخر طرف. از حرکات و ترتیب مصاحبه ها برای آزار رساندن و تحقیر اعلیحضرت لذت خاصی میبرد. ابعاد این لذت کاملا از حرکات، برق چشم، و جد و شغف در صورت ایشان، بازی با مداد، بادست، تظاهر به یادداشت برداری، حرکت سر و بیشتر تحمیل نظرش به دیگران (طرف مصاحبه) هویدا است.

اساسا باکمی دقت، ملاحظه میشود که تمام برنامه های رودست که امید دانا مجری آن است، خواسته یا ناخواسته در جهت و موضوعی است که بنوعی در جهت آزار دیگران از نظر روحی و روانی ترتیب داده میشود. این موضوع نشان میدهد که شاید سادیسم در وجود ایشان فقط متوجه اعلیحضرت نیست

نیش عقرب نه از ره کین است      اقتضای سادیسم ایشان چنین است

## پنهان کاری

➡ سادیسم کم و بیش در همه انسان هاست ولی در انواع مختلف کم و یا زیاد، برخی عقیده دارند که حساسیت بیش از حد به غمخواری دیگران خودش نوعی سادیسم است؛ بیت معروف <توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی> از سادیسم مثبت و خوب حکایت دارد که چیزی در عرض و سواس است.<sup>۲</sup>

➡ بنابراین میتوان سادیسم را بطور کلی به خوب و بد و یا با سوء نیت و یا با حسن نیت قسمت کرد یکی از مشخصات سادیسم توام با سوء نیت پنهان کاری است. دگر آزار، چون سوء نیت دارد تلاش میکند که تمام روزه های حقیقت و آنچه که طرح آن مانع لذت او میشود، مسدود و یا از بیان آنچه که ممکن است رسوب آزار را کند گرداند پرهیز نماید.

<sup>۲</sup> - این چکامه را جیبسون رضا جرجانی همفکر و رفیق امید دانا بکار برد (بصورت غلط) و گفت این نشان از حقوق بشر نیست. سعدی اشتباه میکند و میخواید نشان بدهد کسانی که غم نمیخورند «آدم» نیستند... استدلال را ببینید.. ح-ک

یکی از حقوقدانان در این مورد جمله ای دارد که عینا از آن استفاده میشود میگوید: «پنهانی بودن عمل ارتكابی، حاکی از سوء نیت است» (بحث تفسیر ماده ۶۹۸ قانون مجازات).  
وقتی عمل پنهانی فاش شد، عامل سوء نیت در وقوع جرم، محقق شده تلقی میگردد.

### سوء نیت و پنهانکاری

در برنامه آخرین هشدار به آخرین ولیعهد که بصورت محکمه صحرایی عمل شد؛ آقای امید دانا نقش برجسته ای در پنهان کاری آن داشته اند که از قرآن سوء نیت ایشان بشمار خواهد رفت.  
ایشان گفته اند:

«من بصورت رسمی اعلام میکنم که در نوشتن بیانیه آخرین هشدار به آخرین ولیعهد هیچ نقشی نداشته ام \* و این بیانیه از طریق نویسندگان فرهیخته آن بدستم رسید و اینجانب با آگاهی کامل با آن موافقت کرده و امضا کردم، بیانیه هیچ ربطی به اینجانب و برنامه رودست ندارد \* و اینجانب تنها یک امضا کننده و سپس حامی بیانیه هستم و تا آخرین قطره خونم از این بیانیه تاریخی پشتیبانی میکنم - بیانیه از سوی عده از دیپلماتهای رژیم شاهنشاهی و وکلا و حقوق دانان تنظیم شده و هیچ ایرادی متوجه آن نیست \* - بیانیه در کمال ادب و نزاکت و فارغ از هرگونه تحقیر و اتهام و اهانت نوشته شده است.»



این بخشی از اظهارات آقای امید داناست که قبل از آشکاری ابعاد موضوع، از سوی ایشان به کرات اعلام شد و بعد از به جریان افتادن کار، معلوم شد که حقیقت امر غیر آن بود که ایشان مدعی بودند و معلوم شد که ایشان سردمدار این موضوع بوده و هستند و اینکه فقط یک امضا کننده هستند دروغ و کذب است و همچنین آشکار شد که نویسنده نامه و محرک قضیه شخصی است که نه نام حقیقی او معلوم است و نه سن او و بانام قلبی بردیا

پارس که نام فرزند کورش کبیر است ظاهر شده و در مجموع آشکار شد که نویسنده نامه نه حقوقدان و وکیل است و نه دیپلمات زمان شاه، بلکه یک جوانی کوتوله ای است بی وفا به ولینعت خود (یعنی به اعلیحضرت که او را از زندان و جمهوری اسلامی نجات داده و برای او امکان زندگی و احتمالا تحصیل فراهم ساخته) که در فرهنگ ایرانی از باب وفا در عرض سگ هم قرار ندارد.

### چرا دروغ

انسان اگر عملی را از باب اعتقاد و یا انتقاد بعمل میآورد آنهم در کشوری که نیاز به تقیه و مخفی کاری نیست چرا باید دروغ بگوید و پرده پوشی کند فقط میتوان دو علت برای آن یافت.

اول اینکه نه از باب اعتقاد به موضوع است و نه انتقاد سازنده، بلکه هدف تسکین ترشحات مغزی سادیسیم است که قبح دروغ و دغل کاری را نمیگذارد آشکار شود.

دوم اغوای مردم که با ورود آنها به موضوع، مانع موفقیت سادیسیم نگردند.

آقای امید دانا اعلام کرده که نامه هشدار هیچ ربطی به ایشان و رودست ندارد. آیا رفتار و کردار ایشان نسبت به نامه مزبور که در جریان اقدام به صورت محکمه صحرانی با محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران درآمد سعی ایشان در اثبات محکومیت اعلیحضرت، نشان از همان بی ربط بودن موضوع با ایشان و برنامه رودست دارد؟ ما ایرانیان با عبارت «کی بود کی بود منکه نبودم» آشنا هستیم.

◀ اصلا چرا باید کسی که بیعت خود را با گفتار نیک و کردار نیک و پندار نیک اعلام کرده و ریخت و شمایلش راهم مشابه بیعت گیرنده در آورده به این سادگی و صراحت دروغ بگوید؟ علت روشن است سادیسیم دین و آئین و برادری و انصاف و اخلاق و امثال اینهارا نمیفهمد.

### دروغ وسیله اغوا

◀ اینکه آقای امید دانا اصرار داشته که نامه هشدار بوسیله دیپلمات های زمان شاه و حقوقدانان معتبر نوشته شده با هدف اغوای سلطنت طلبان تدارک شده زیرا همینکه نام دیپلماتهای زمان شاه بر روی کارویامتنی باشد اعتماد عمومی سلطنت طلبان مانع میگردد که وارد اصالت آن نامه بشوند و چشم بسته قبول میکنند.

«دروغ هرچه بزرگتر قبول آن راحت تر»

به همین دلیل بود که اوایل کار سعی کردند که دخالت آقای اردشیر زاهدی را با مشوب کردن ذهن با نامی مشابه، در تنظیم نامه هشدار بقبولانند.

آیا اگر تنظیم نامه هشدار منتسب به دیپلماتهای زمان شاه نمیشد و راست حسینی اعلام میگردید که این نامه توسط شخصی نوشته شده که نامش معلوم نیست و به اعلیحضرت هم بی وفایی خودش را نشان داده و توضیح بی وفایی او هم داده میشد آیا کسانی به اعتبار آن نویسنده مجهول و بدسابقه، نامه هشدار را تائید میکردند؟ تصور نمیکنم. این را میگویند اغوا و فریب، شارلاتانیسم و گول زدن دیگران برای رسیدن به مقصودی نامشروع. بهر حال در مکتب کردار و گفتار و پندار نیک ممنوع و در قوانین مترقی جرم است و این مهم هم ثابت است که بدون این دروغ و اغوا نامه هشدار حرکتی نداشت.

### دروغ دغل تا این حد

◀ اصرار سخت و توأم با تاکید بر اینکه در نامه هشدار، رعایت احترام و حرمت مقام شاهزاده شده است از آن دروغهایی است که کمتر دروغگویی جرات تکیه بر آن را دارد زیرا سند رسوائی این دروغ دم دید است.

درست مصداق «قسم حضرت عباس را قبول کنیم یا دم خروس را».

## آیا محکوم کردن اعلیحضرت به عنوان دشمنی با موجودیت ایران هتک حرمت و سلب اعتبار ایشان نیست؟ وبه چنین عملی رعایت احترام و اصول اخلاقی گفته میشود؟

◀ امید دانا و همدستان و به اصطلاح پشتیبانان او مدام میگویند که جان ما فدای ایران. خوب کسی که به نظر آنها دشمن موجودیت ایران است در این معادله چه جایی دارد؟ آیا میشود هم آقایان جانشان فدای ایران باشد و احترام و اعتبار دشمن موجودیت ایران را هم محترم بشمارند؟ جالب اینجاست که همه این تعدیات و هتک حرمتها از کیسه وفاداری و احترام به خانواده پهلوی و شخص شاهزاده (اعلیحضرت) خرج میشود.

◀ در همین مصاحبه با مرد ۲۰ میلیونی امید دانا و آن مرد به این نتیجه رسیده اند که شاهزاده راکه نماد ناسیونالیستی میدانند، ناسیونالیستی را هیچ میداند! آیا بازم امید دانا که مدعی ناسیونالیستی است میتواند حرمت دارکسی باشد که به ناسیونالیستی فکر نمیکند؟ (توضیح لازم خواهد آمد).

◀ میگویند شاهزاده مظهر و نماد ملی ایران است این راهم دروغ میگویند سخت هم دروغ میگویند کسی که جانش را فدای ایران میکند نمیتواند دشمن موجودیت ایران را نماد ملت ایران بداند یا این یا آن و اصلا اصل و اساس ادعا هم دروغ است شاهزاده هرگز نماد ملی ایران نیست. ولیعهد و جانشین شاه در مقام شاه هست.

داند همه کس که این سخن دروغ است نتوان گفتن که ماست دوغ است (وحشی)

◀ پنهانکاری امید دانا به همین مورد محدود نبود؛ تلاش او برای پرده پوشی از اتهام دشمنی با موجودیت ایران که به اعلیحضرت نسبت داده شده در همه اقدامات و مصاحبه هائی که ترتیب داده بخوبی مشهود است، این تلاش او در نظر خودش چنان حساس و موفقیت آمیز بوده که گویا اصلا در حکم محکمه صحرائی اعلیحضرت صحبت از اعلام برائت و محکومیت به دشمنی با موجودیت ایران وجود ندارد.

◀ آنقدر امید دانا و همه کسانی که در این فساد مشترک هستند روی فاش نشدن این قباحت متحد و دقت دارند که بهیچوجه اشاره ای به حکم محکمه صحرائی علیه اعلیحضرت در تمام مصاحبه ها و برنامه ها نکرده و نمیکند و در میدان گفتگو هرچه دل تنگشان میخواد میگویند و بقول سعدی <اسب فصاحت در میدان وقاحت دواندن> شیوه عمل آنها است.

تحریر آتی مصاحبه مرد ۲۰ میلیونی